سایت شورای روابط بین الملل روسیه (22/6/2020)

**مصر پرچمدار باشگاه ضد ترکیه**

نویسنده: لئونید تسوکانوف، مدیر انجمن "جوانان کارشناس امور خاورمیانه" در اورال

در شرایطی که موقعیت ترکیه در دریای مدیترانه شرقی در حال تقویت است و نفوذ این کشور در سایر کشورها رو به افزایش است نوعی "باشگاه ضد ترک" در منطقه در حال شکل گیری است که شامل یونان، قبرس، اسرائیل، اردن، فرانسه و مصر بود. فعال ترین عضو این "باشگاه" تازه تاسیس مصر است چرا که برای مصر تقویت ترکیه منجر به افزایش تهدیدات علیه منافع ملی می شود. به همین دلیل قاهره تلاش های قابل توجهی برای مهار جاه طلبی های آنکارا انجام می دهد و از جمله از طریق کشورهای خارج از منطقه.

**طوفان بر فراز دریای مدیترانه**

بحران کنونی در روابط مصر و ترکیه به سال 2013 باز می گردد. پس از برکناری رئیس جمهور محمد مرسی در نتیجه کودتای نظامی و به دست گرفتن قدرت توسط عبدالفتاح السیسی، رهبری ترکیه اعلام کرد که شدت روابط دیپلماتیک خود را با مصر کاهش می دهد تا نشان دهد که "مشروعیت دولت جدید" را برسمیت نمی شناسد. در پاسخ، مقامات مصر سفیر خود را از ترکیه فراخواندند و همچنین سفیر ترکیه را عنصر نامطلوب اعلام كردند.

عامل جنبش اخوان المسلمین نقش بیشتری در این اختلاف سیاسی داشت. ترکیه استقبال گرمی از به قدرت رسیدن نمایندگان این جنبش در مصر داشت چون آنها را از نظر عقیدتی نزدیک به حزب عدالت و توسعه ترکیه می دانست و آنها را ابزاری مناسب برای گسترش نفوذ خود در جهان عرب می دید. اما به قدرت رسیدن دولت السیسی و متعاقب آن علام اخوان المسلمین در مصر و در چند کشور دیگر بعنوان یک سازمان تروریستی، این برنامه ها را نیست و نابود کرد.

نیمه دوم سال 2019 را می توان دور جدید وخیم تر شدن روابط آنکارا و قاهره محسوب نمود: شروع مرحله تشدید نبردها در لیبی بین ارتش ملی لیبی به حمایت کشورهای عربی و دولت وفاق ملی وفادار به ترکیه. پیشروی نیروهای حفتر در طرابلس و آغاز بمباران شدید بندر مصراته که به منزله مرکز مهم تأمین تجهیزات دولت وفاق ملی بود ترکیه را وادار کرد که به پشتیبانی دولت وفاق ملی وارد مناقشه شود و از کمک نظامی و سیاسی قابل توجهی به او نماید. علاوه بر این در نوامبر و دسامبر 2019 امضای تفاهم نامه های "منطقه اقتصادی انحصاری" و "امنیت و همکاریهای نظامی" بین دولت وفاق ملی لیبی و ترکیه که بر منافع سیاسی و اقتصادی همسایگان لیبی اثر می گذاشت به یک عامل جدی رشد تنش در روابط قاهره و آنکارا تبدیل شد.

در نتیجه تا اواسط سال 2020 در بین کشورهایی که از رشد نفوذ ترکیه در منطقه ناراضی بودند نوعی "باشگاه ضد ترک" حول محور مصر شکل گرفت. اما مصر بر خلاف اکثر همکاران خود در این "باشگاه" ترجیح می دهد به طور فعال و در جهات مختلف عمل کند و از منافع خود در منطقه محافظت کند. البته حوزههای تلاقی منافع مصر و ترکیه تنها به لیبی محدود نمی شود: مناقشه لیبی را می توان به یک معنا "منطقه آشکار" منازعات دو کشور تلقی کردکه در آن نبردهای کلیدی نظامی و سیاسی در جریان است. ضمنا مبارزه آنکارا و قاهره (با شدت های مختلف) در اطراف عراق، یمن و یونان نیز ادامه دارد. به طور خلاصه هر یک از حوزههای نزاع را بررسی می کنیم.

**خط مقدم جنگ دیگر کجاست؟**

محور عراق در رویارویی دو طرف تقریباً کاملاً با مسئله کردها مرتبط است. مصر بارها و بارها عملیات نظامی ترکیه علیه کردها را محکوم کرده و به قوانین بین المللی درباره حاکمیت کشورها استناد می کند. شروع عملیات پنجه ببر علیه حزب کارگران کردستان در ژوئن سال 2019 نیز از سوی وزارت امور خارجه مصر مورد نکوهش شدید واقع شد. این وزارتخانه در خبر مطبوعاتی خود می نویسد: "مصر حملات نظامی ترکیه و ایران در شمال عراق را به شدت محکوم می کند. این اقدامات تهاجمی ادامه نقض حاکمیت کشور برادر، عراق است".

علیرغم این که عملیات ترکیه علیه کردها ادامه دارد مصر موفق شده است در این راستا به موفقیتهایی دست یابد. از جمله اینکه روابط خود را با عراق تقویت نموده، و همچنین جلسه جدیدی برای اتحادیه کشورهای عربی تنظیم نماید که در آن قرار است مشروعیت دولت وفاق ملی لیبی که قبلا برسمیت شناخته شده بود ملغی شود.

وضعیت یمن نیز جالب است. همزمان با رشد تنش عمومی در این کشور فعالیت حزب الاصلاح که با جنبش اخوان المسلمین در ارتباط است و از حمایت ترکیه برخوردار است افزایش چشمگیری داشته است. خاطرنشان می شود که واحدهای شبه نظامی الاصلاح که توسط مربیان ارتش ترکیه آموزش دیده اند در ابین و شبوه در حال جنگ با شورای انتقالی جنوبی هستند که از سوی امارات و مصر پشتیبانی می شود و همچنین ادعای خاصی نسبت به استان مارب که میادین نفتی و گازی در آن متمرکز است دارند.

علاوه بر این هنگام تجزیه و تحلیل این محور، باید نبردهایی را که در فضای اینترنت صورت می گیرند به طور جداگانه ذکر نمود: در مارس 2020 هواداران نیروهای طرفدار ترکیه در یمن هشتگ "یمن از ترکیه درخواست مداخله می نماید" ("اليمن\_تناشد\_بتدخل\_تركيا #") را در توتیتر قرار دادند. کاربران در توییت خود به طور جدی هم از ائتلاف سعودی انتقاد می کنند و آن را "ائتلاف ضعیفان و فتنه" می نامند و هم از حامیان شورای انتقالی جنوبی که مورد حمایت امارات و مصر (تا حدی کمتر) است انتقاد می کنند. پیام اصلی این نشریات دعوت از رهبری ترکیه برای مداخله در مناقشه یمن و حل و فصل آن طبق سناریوی لیبی است. تلاش مصر برای ورود به این نبرد و ایجاد لابی مخصوص به خود در توییتر در مارس و آوریل 2020 به شکست انجامید: به دلیل یکنواخت بودن محتوا و فراوانی انتشار هرزنامه ها، سرویس امنیتی توییتر در آوریل 2020 یک بررسی بزرگ بعمل آورد که درنتیجه آن بیش از دو هزار و پانصد اکانت (account) ستیزه جویانه مسدود شدند.

اوضاع در محور یونان جدی به نظر می رسد. در اینجا رهبری مصر تصمیم گرفت به طور هم زمان در سه محور (امنیت، اقتصاد و دین) برنامه ریزی نماید. بنابراین در نوامبر سال 2019 وزارت دفاع مصر رسماً از شکایتهای یونان و قبرس علیه ترکیه در مورد نقض مكرر حریم آبی و هوای یونان از سوی ارتش ترکیه، حمایت کرد. و شش ماه بعد در ژوئن سال 2020 یونان و مصر مذاکرات را برای مشخص کردن حدود منطقه اقتصادی از سر گرفتند که طی آن طرف مصری تلاش های یونان را "برای حفظ ثبات و عدالت" در مدیترانه شرقی ستود.

درمورد مؤلفه مذهبی مصر برای تقویت مواضع خود در منطقه از موضوعی استفاده کرد که برای اکثر یونانیان دردناک است: وضعیت کلیسای جامع ایا صوفیه. از جمله اینکه بالاترین مرجع مذهبی مصر یعنی دارالفتوا (خانه فتوا) فتح قسطنطنیه توسط عثمانی را در سال 1453 "اشغال" خواند و با تبدیل ایا صوفیه به مسجد مخالفت کرد.

قاهره که در چند محور به حمایت از آتن در اختلافات یونان و ترکیه برخاسته است یکباره سرمایه گذاری جدی برای آینده انجام داده است. اولا اعتماد سیاسی بین دو کشور را تقویت کرده است و دوم اینکه توجه اتحادیه اروپا را به اوضاع شرق دریای مدیترانه جلب کرد و فرصت مانور سیاسی را از ترکیه گرفته است.

**سه سناریو برای السیسی**

بر اساس آنچه که فعلا در فضای بین المللی شکل گرفته است می توان سه سناریو را برای رفتارهای آینده مصر در تقابل با ترکیه استنباط کرد.

**سناریو شماره 1: مداخله مستقیم**

این سناریو پیش بینی می کند که مصر وارد درگیری مسلحانه در لیبی در حمایت از حفتر خواهد شد. جبهه سرت الفجره رسما به عنوان "خط قرمز" اعلام شده است که در آن در دو هفته گذشته نبردهای شدیدی بین نیروهای حفتر و سراج در جریان است.

به گفته کارشناسان نظامی، مصر در صورت عقب نشینی نیروهای حفتر از سرت، می تواند فورا دو سه تیپ تانک را با حمایت صد و پنجاه هواپیما و بالگرد و همچنین تعدادی پهپاد Wing Loong وارد لیبی کند. مصر در توجیه مشروعیت مداخله احتمالی خود می تواند به وجود تعدادی از "تهدیدات علیه امنیت ملی" خود استناد کند: ظهور مسیرهای قاچاق و همچنین افزایش تهدیدات تروریستی در منطقه که مبارزه با آنها در چارچوب دکترین دفاع ملی انجام می شود.

این سناریو از نقطه نظر برنامه فعلی بسیار محتمل به نظر می رسد: نیروهای مسلح مصر مستقر در مناطق مرزی اکنون چند روز است که در حال آماده باش کامل هستند. علاوه بر این در تاریخ 20 ژوئن رئیس جمهور مصر سخنرانی خطاب به ارتش داشت که در آن از وی خواست که برای انجام عملیات در خارج از کشور آماده باشد. السیسی تأکید کرد: "هر گونه مداخله مستقیم از طرف دولت مصر اکنون مشروعیت بین المللی به دست آورده است."

**سناریو شماره 2: تقسیم کن و حکومت کن**

هدف از سناریوی دوم نیز به طور عمده لیبی می باشد، اما نیاز به یک رویکرد جامع برای حل مشکل دارد.

رهبری مصر با استفاده از "ابتکار عمل قاهره" و سندهایی مانند آن به عنوان نماد پایبندی به راه حل مسالمت آمیز، قصد دارد توجه جامعه جهانی را به نقض مكرر موازین حقوق بین الملل از سوی ترکیه و متحدینش در لیبی جلب كند و از این طریق جنگ را در مرزهای فعلی "متوقف كند" (این در عمل یعنی تقسیم رسمی لیبی به مناطق نفوذ سیاسی). در این صورت ورود گسترده نیروهای مصری به لیبی صورت نخواهد گرفت اما احتمالاً ارتش ملی لیبی از قاهره مقداری اسلحه و تجهیزات نظامی، و همچنین تیمی از مشاوران و مربیان نظامی را بعنوان کمک رییس دریافت خواهد کرد.

از طرف دیگر هنگام اجرای این سناریو باید فاکتور قبیله ای را در نظر گرفت. با وجود این که شورای قبایل لیبی که متمایل به ارتش ملی لیبی است ایده حضور نظامی مصر در لیبی را مثبت ارزیابی می کند اما طوارقها که در پشت میدان قرار دارند و اخیرا عقربه محبتشان دوباره بسمت سراج چرخیده است یک خطر جدی برای مصریان (و همچنین به طور کلی برای ارتش ملی لیبی) ایجاد می کنند.

با توجه به این قبایل طوارق قبلاً مهارت خود را در انجام عملیات خرابکاری نشان داده اند، مصر بالاخره مجبور است دور جدیدی از مذاکرات بین حفتر و رهبران طوارق برگزار کند.

**سناریو 3: بازی برای پیش دستی**

در صورتی که اوضاع پیرامون لیبی به رهبری سیاسی مصر اجازه ندهد برنامه های خود را به طور کامل تحقق بخشد احتمال دارد که کانون رویارویی به سایر کشورها تغییر کند.

از محتمل ترین "مکان های این رویارویی" یمن و لبنان است. اما اگر در حالت اول (یعنی یمن) مصر بیشتر از راههای غیر مستقیم و انحرافی عمل نماید و به همراه امارات از نیروهای شورای انتقالی جنوبی حمایت کند در حالت دوم (یعنی لبنان) حداکثر تلاش خود را بعمل خواهد آورد (از جمله از طریق اتحادیه کشورهای عربی) تا نفوذ سیاسی رو به رشد ترکیه را در این کشور تضعیف کند و نگذارد این کشور به "خط برخورد" تبدیل شود.

بسیار محتمل است که برخی مانورهای دیپلماتیک در لیبی هم انجام شود. به عنوان مثال برای تشدید روند مذاکره ممکن است حامیان ارتش ملی لیبی دست به یک اقدام جسورانه بزنند و رهبر خود را تغییر دهند و عقیله صالح عیسی را که یک سیاستمدار با تجربه و دولتمرد بزرگ است بجای حفتر بعنوان رئیس جمهور دولت طبرق معرفی نمایند. چنین مانوری از یک سو امکان می دهد که تحرک جدید به روند مذاکره بین ارتش ملی لیبی و دولت وفاق ملی بخشید و از طرف دیگر بتوان برخی از صحنه های بحث برانگیز جنگ را که مربوط به حفتر می باشند از بین برد.

<https://russiancouncil.ru/blogs/ltsukanov/egipetskoe-litso-antituretskogo-kluba/>

مترجم: محمد سیفی، تاریخ ترجمه: 12/4/99